

آزیر

آسیب دیدگی

۱۴ شهر و ۴۸ روستای کشور در سیل

۱۴ شهر و ۴۸ روستا و منطقه عشایر نشین از سیل آسیب دیدند و امدادگران هلال در عملیات جدانگانه به نجات سیل زدگان پرداختند. معاون عملیات سازمان امداد و نجات باران اخیرین گزارش عملیات سیل و آبگرفتگی ۱۹ استان گفت: تاکنون ۱۴ شهر از سیل آسیب دیده اند و به ۴هزار و ۳۰۰ نفر خدمت ارایه شده است. ناصر چرخ ساز درباره سیل و آبگرفتگی در کشور از دوم تا ۶ آذر گفت: ۹ استان اصفهان، ایلام، بوشر، فارس، کرمان، گیلان، مازندران، خوزستان و کهگیلویه و بویراحمد در این مدت گرفتار سیل و آبگرفتگی بوده اند و با بیان اینکه تاکنون ۱۴ شهر و ۴۸ روستا و منطقه عشایر نشین آسیب دیده است، اظهار کرد: در این زمینه ۵۳۰ تن اسکان اضطراری داده شده و ۲۰ تن نجات داده و به مناطق امن انتقال داده شدند.

چرخ ساز با بیان این که سیل و آبگرفتگی در کشور ۱۳ مصدوم به همراه داشته است، گفت: ۷ تن به مراکز درمانی منتقل شده و یک نفر نیز سرپایی درمان شد و ی بالشاره به عملیات تخلیه آب از ۲۵۰ واحد مسکونی، افزود: در این زمینه ۱۴۵ تیم عملیاتی، ۶۵ موتور پمپ و لیفتراک به کار گرفته شد و ۱۰۰ دستگاه چادر، یک هزار و ۷۰۰ تخته پتو و ۳ هزار قوطی کنسرو در میان گرفتاران توزیع شد. به گفته معاون عملیات سازمان امداد و نجات، امداد رسانی در استان خوزستان و فارس هم ادامه دارد.

اعدام آخرین برگ زندگی ۲ مرد متجاوز



۲ متجاوز در شهر مشهد به دار مجازات اویخته شدند. ساعت ۹:۱۵ صبح پنجشنبه در شورور که در پرونده خود زور گیری، تجاوز و قتل ثبت کرده بودند در منطقه قاسم آباد شهر مشهد در تقاطع شاهد و حجاب در آلام به دار مجازات اویخته شدند. این حکم چندانی بیش از سوی شعبه ۲۸ دیوان عالی کشور تأیید شده بود.

غلامعلی صادقی دادستان شهر مشهد درباره جزئیات اعمال مجرمانه دو شورور اعلام شده گفت: ساعت ۵:۲۱ پانجم سپیدم مرد مزاد مسافر نوجوانی که برای خرید نان از خانه خارج شده بود در جنگ ۲ روزگیر موتورسوار گرفتار شد و آنها را راه زور و تهدید سوار بر موتورسوار کردند و به داخل یک ساختمان نیمه ساز در منطقه قاسم آباد کشاندند. قاضی صادقی افزود: ۲ جوان موتورسوار که حدود ۲۱ تا ۲۲ سال دارند پس از آزار و اذیت نوجوان، گوشی تلفن همراه وسیم کارت او را نیز با تهدید به سرنگ زورگیری می کنند و از محل متواری می شوند. وی تصریح کرد: در حالی که با اعلام شکایت پدر نوجوان، تحقیقات پلیس برای ردیابی و شناسایی موتورسواران ادامه داشت، در تاریخ ۲۱ یک مهربان سال نیز پرونده قاسم آباد به پلیس گزارش شد. محتویات پرونده حاکی از آن بود که ۲ جوان موتورسوار در ساعت ۲۲ نوجوان دیگری را با توسل به تهدید با چاقو سوار موتورسیکلت کرده و در اطراف بزرگراه میثاق مورد آزار و اذیت قرار داده اند و سپس با ایراد ضرب و جرح و فحاشی، گوشی تلفنش را نیز زورگیری کرده اند. بنا توجه به اهمیت موضوع، تحقیقات وسیعی از سوی کارآگاهان برای شناسایی متهمان در دستور کار قرار گرفت و ردیابی آنان با انجام یود رنگاری وارد مرحله جدیدی شد. این در حالی بود که ۲ متهم فراری در جریان یک نزاع نیز مرتکب اعمال شیطانی شده بودند.

قاضی صادقی با اشاره به این که یکی از متهمان با توجه به چهره نگاری های فرضی توسط مأموران انتظامی دستگیر شده است، داد، وقتی یک گوشی سرقتی از متهم کشف شد، وی ادعا کرد که گوشی را از فرد دیگری گرفته است. بنابر این با تلاش مأموران و دستورات ویژه قضایی، متهمان و افراد مرتبط و دیگر با بیان راهکار کردند که پرونده زورگیری ها و با توجه به چهره نگاری فرضی، ۲ متهم توسط مالباتخاکان و افرادی که مورد آزار قرار گرفته بودند شناسایی شدند و بدین ترتیب پرونده زورگیری وارد مرحله جدیدی شد. دادستان مشهد خاطر نشان کرد: پرونده متجاوزان به عنف در شعبه پنجم دادگاه کیفری استان خراسان رضوی و توسط قضات باتجربه مورد رسیدگی قرار گرفت. پس از چندین جلسه محاکمه که با حضور وکلای مدافع متهمان برگزار شد، قضات دادگاه با توجه به اعترافات متهمان، محتویات پرونده، نظریه پزشکی قانونی، گزارش مأموران انتظامی و دیگر مستندات و مدارک انکارناپذیر، ۲ متهم را به خاطر اعمال شیطانی و خلاف عفت به اعدام محکوم کردند.

شهرود فداکاری معلم زبان از تکرار دوباره حادثه آتش سوزی در کلاس درس جلوگیری کرد. این حادثه در حالی رخ داد که ۱۱ روز به سالگرد آتش سوزی مدرسه دخترانه شین ایامانده بود. سه شنبه ۴ آذرماه بود که ۱۵ دانش آموز دبیرستان شهید غیاثی روستای درملوی گرمی، در کلاس زبان آقای سلیمان زاده حاضر شده بودند. هنوز چند دقیقه ای از شروع درس نگذشته بود که ناگهان بخاری نفتی کلاس آتش گرفت. وحشت در کلاس به راه افتاده بود. آتش آنقدر در حال شعله ور شدن بود. دانش آموزان به یکدیگر چسبیده بودند و فریاد می زدند. حلقه های آتش تمام کلاس را محاصره کرده بود. دود سیاه در فضا پیچیده بود و چشم هیچ کس، جای را نمی دید. نیمکت و کیف و کتاب ها در حال سوختن بودند. آقای سلیمان زاده که تا این لحظه سعی داشت دانش آموزانش را آرام کند، فکری به ذهنش رسید. باید تک تک بچه ها را از کلاس خارج می کرد. دو حواله که شعله های آتش به سمت در کلاس در حال گسترش بود، معلم جوان خودش را از میان دود و آتش به در رساند. باز شدن

شعله های آتش ۱۵ دانش آموز را در کلاس درس حبس کرده بود

جدال معلم فداکار با شعله های بخاری نفتی

در، معلم فداکار دانش آموزانش را از کلاس آتشین فراری داد. اما برای خاموش کردن شعله های آتش دوباره به کلاس سوخته بازگشت. وقتی همکاران این معلم فداکار در جریان آتش سوزی در یک کلاس درس قرار گرفتند بلافاصله آتش نشانی را در جریان ماجرا قرار دادند. اما زمان به سرعت سپری می شد و باید خودشان دست به کار می شدند تا جان بقیه دانش آموزان مدرسه به خطر نیفتد. چند معلم به کمک آقای سلیمان زاده رفتند. دود همه اتاق درس را فرا گرفته بود. معلم جوان مشغول خاموش کردن آتش بود که همکارانش وارد عمل شدند. اما پس از دقایقی از تلاششان آقای سلیمان زاده بیپوش روی زمین افتاد. همزمان با این اتفاق شعله های آتش هم توسط معلمان خاموش شد. با خبر این خبر به اورژانس، بلافاصله این معلم جوان به بیمارستان ولایت گرمی منتقل شد. «بخشعلی کامرانی» مدیر آموزش و پرورش گرمی مغان در رابطه با خبر آتش سوزی در کلاس درس دبیرستان شهید غیاثی

فرمانده انتظامی استان البرز، جزئیات این گروگانگیری را تشریح کرد

پایان ۴۰ ساعت کابوس آدم ربایی ۱۰۰۰ اسکهای



جعفر پاکزاد صدای خشن مرد جوان از پشت گوشی، خبر از حادثه ای شوم می داد. مرد جوان با لحنی تند گفت: «اگر می خواهید یک بار دیگر پسران را زنده ببینید، ۱۰۰۰ سکه طلا آماده کنید.» دو مرد آذربایی بدون پسر نوجوان یک خانواده تروتمند در کرج قصد داشتند به پول هنگفتی دست پیدا کنند اما وقتی پای کارآگاهان پلیس آگاهی البرز به ماجرا باز شد این آذربایی ۴۰ ساعت بیشتر طول نکشید و با دستگیری دو آذربایی پسر نوجوان به آغوش خانواده اش بازگشت.

ظهور روز اول آبان ماه سال جاری بود که زن میانسالی با صدایی لرزان با مرکز فوریت های پلیسی ۱۱۰ تماس گرفت و خبر از وقوع یک آذربایی در مهرشهر کرج داد. زن میانسال که خود را سرایدار یکی از مدارس راهنمایی مهرشهر معرفی کرد در تماس تلفنی به مأموران گفت: وقتی در حال رساندن یکی از دانش آموزان به خانه شان بودم با گناهان یک خودروی پژو ۲۰۶ در مقابلمان توقف کرد. دو مرد جوان که مسلح به چاقو و قمه بودند از خودرو پیاده شدند و با زور و تهدید پسر نوجوان به نام پوریا را ربودند. پس از دریافت خبر، مأموران نیروی انتظامی کالتتری مهرشهر راهی محل حادثه شدند

پس از صحت ماجرا موضوع آذربایی به اداره آگاهی گزارشی داده شد. بلافاصله پرونده ای در خصوص وقوع آذربایی در اداره آگاهی استان البرز تشکیل و مأموران آگاهی به سرپرستی حمیدرضا گل صیاحی رئیس پلیس آگاهی استان البرز، تحقیقات ابتدایی را برای شناسایی آذربیاها آغاز کردند.

«سرهنگ بخشعلی کامرانی صالح» فرمانده انتظامی استان البرز در نشست خبری روز ۵ آبان ماه در حضور خبرنگاران درباره جزئیات این آذربایی گفت: «در تحقیقات ابتدایی کارآگاهی های ماموران پدر و مادر پوریا در زمان وقوع حادثه در شهر مقدس مشهد حضور دارند. تیم های عملیاتی و تحقیقاتی از همان ابتدا دست به کار شدند تا سرخشی از آذربیاها و کودک ربوده شده به دست آورند تا این که ۶ ساعت پس از وقوع ماجرا، آذربایان در طی تماسی با پدر خانواده برای آزادی فرزندش درخواست ۱۰۰۰ سکه بهار آزادی کردند.» وی در ادامه گفت: «پس از اولین تماس، مأموران با کارآگاهی عملیاتی و پلیسی متوجه شدند آذربایان از طریق یک تلفن عمومی در شهر کرج تماس گرفته و برای این که سرخشی از خود بر جای نگذارند مخفیگاه خود را در چند منطقه جای جا کرده اند.» وی اضافه کرد: «بررسی ها نشان می داد پوریا ۱۲ ساله

زویای حادثه
این حادثه در حالی رخ داد که ۱۵ آذرماه، ۲ سال از آتش سوزی دبستان دخترانه روستای شین آباد، که به دلیل نقص سیستم گرمایشی ۲۹ دانش آموز سوخته و ۲ نفر از آنها به کام مرگ فرو رفتند، می گذرد. هر چند این بار تنها خسارات مالی فراوانی برپیکره کلاس وارد می شود اما استاندارد نبودن سیستم گرمایشی مدارس یکی از بحران هایی است که خانواده ها به شدت نگران آن هستند. محمود علایی، فرماندار گرمی در تشریح فرآیند آتش سوزی در این مدرسه گفت: «دانش آموزان و معلم اطلاع نداشتند که در کاربراتور بخاری نفتی، نفت بیش از اندازه وارد شده و بخاری را روشن می کنند و بعد از آن مطلع می شوند که نفت در آن زیاد است. به همین دلیل بخاری دچار آتش سوزی می شود، یکی از دانش آموزان نیز در جریان حادثه برای بیرون بردن بخاری شیطنت می کند که موجب آتش سوزی بیشتری بخاری شد. این مسأله طبیعی است و عمدی در رخداد حادثه توسط دانش آموزان وجود ندارد.»

فرورتن میلیگر دیک متری درون سر کارگر جوان



جوان کارگر که حین کار یک میلیگر دیک متری در سرش فرو رفته بود با عملیات آتش نشانی راهی بیمارستان شدند. این کارگر با عمل جراحی از مرگ نجات یافت. مرد جوانی که یک شاخه میلیگر حین کار در کارگاه ساختمانی به سرش فرو رفته بود به بیمارستان حضرت رسول (کرم) اعزام شد و پزشکان و پرستاران برای خارج کردن آن چاره ای جز تماس با آتش نشانی تهران ندیدند. ساعت ۱۲:۲۰ چهارشنبه آتش نشانی گروه امداد و نجات به بخش اورژانس بیمارستان اعزام شدند و با مشاهده کارگری بیپوش که یک میلیگر ساختمانی به طول یک متر در سرش فرو رفته بود عملیات نجات خود را با یکبارگیری تجهیزات ویژه آغاز کردند. مهدی یادگاری افسر آماده منطقه ۲ عملیات در این زمینه گفت: مأموران در حضور پزشکان قسمت های اضافه میلیگر را که از هر دو طرف سر کارگر بیرون زده بود برش داده و وی را برای ادامه مراحل درمان در اختیار پزشکان قرار دادند. او پس از انجام عمل جراحی موفقیت آمیز به بخش CCU منتقل شده و با جدا کردن دستگاه از وی، هم اکنون تحت مراقبت است. وضع سلامت این جوان رو به بهبود گزارش شده است.

مسمومیت ۷ دختر نوجوان در حین تمرین شنا

۷ دختر نوجوان بر اثر استنشام گاز جوهرتیمک در استخر انقلاب دامغان مسموم شدند. این ورزشکاران که از اعضای تیم شنای نوجوانان دامغان هستند سه شنبه شب هنگام تمرین به علت سهل انگاری صاحبکار استخر که در حال تمیز کردن قسمتی از محوطه استخر با جوهرتیمک بود، مسموم شدند. این نوجوانان به دنبال این مسأله با علایم سرخه و آبریزش شدید بینی و چشم مواجه شدند که بلافاصله به بیمارستان ولایت دامغان منتقل شدند و تحت درمان قرار گرفتند. به گزارش ایبنا، این دانشگران نوجوان پس از ملأوا و بهبودی کامل با علایم سرخه و آبریزش شدیدند و حال همه آنها خوب و رضایت بخش است. رئیس اداره تربیت بدنی دامغان، مسمومیت ناشی از گاز کلر را تکذیب کرد و گفت: مسمومیت این ورزشکاران نوجوان ناشی از گاز جوهرتیمک بوده است.

دربین

دستگیری مظنونان حادثه زهک

فرماندار زهک از دستگیری برخی از عوامل ترویر مأموران انتظامی شهرستان خبر داد. به گزارش راهدان برس، رخشانی نسب گفت: «مسئولان امنیتی و قضایی با جدیت در حال بررسی این پرونده هستند. عوامل این حادثه افراد شرور هستند. تاکنون در ارتباط با این پرونده به سرخ های خوبی رسیدیم و جزئیات به زودی اعلام می شود. ۷ مظنون به دخالت در حادثه شهادت ۳ مامور نیروی انتظامی در این شهرستان دستگیر شدند.» جمشید خشنای نسب افزود: «تحقیق از ۷ نفر مظنون دستگیر شده پیرامون پرونده شهادت ۳ مامور نیروی انتظامی توسط نیروهای دست اندر کار با جدیت ادامه دارد.» وی اظهار داشت: «سه شنبه شب گذشته دو مامور و یک سرباز نیروی انتظامی زهک به نام های بدل مختاری، حسین انجام و محمدرضا فیوج گوری در حین گشتزنی، توسط افراد شرور و ترور یست به شهادت رسیدند.»

خارج از مرز

دلیل باور تکر دن پراستار برای قتل ۳۸ بیمار

یک پرستار به بهانه این که بیمارانش یا خانواده آنها را افرادی آزاردهنده می دید، ۳۸ بیمار را به قتل رسانده است. این پرستار که از اهالی یکی از شهرهای مرکز ایالتیاست، ماه گذشته در ارتباط با پرونده مرگ ناگهانی ۳۸ بیمار بازداشت شد. پس از تشریح جسد یکی بیماران ۷۸ ساله، محققان با یافتن مقادیر بسیار زیادی کلرید پتاسیم در بدن وی خبر دادند. به عقیده دادستانی، این پرستار بیمار خود را برای سرگرمی به قتل می رسانده است، او بیمارانی را که از نظرش آزاردهنده بودند با تزریق مقادیر کشنده ای پتاسیم به قتل می رسانده است. در آمریکا این ماده برای اعدام محکومان استفاده می شود. رسانه ها همچنین تصاویری توهین آمیز را از این پرستار ۴۲ ساله در کنار جسد یکی از بیماران منتشر کرده اند که افکار عمومی را در این کشور به شدت تحریک کرده است.

دستگیر شوند. خبرنگار روزنامه «شهرود» با «حمید» طراح این نقشه آدم ربایی گفت و گویی انجام داده است که در زیر می خوانید:
چندسال داری؟
۲۳سال
گروگان را چطور انتخاب کردی؟ با خانواده او آشنا بودی؟
نه از طریق یکی از دوستانم باخبر شدم که این خانواده وضع مالی خوبی دارند و اگر فرزندشان را گروگان بگیریم می توانیم در ازای آزادی اش، پول میلیاردی به جیب بزنیم. به همین خاطر ماجرای گروگانگیری را به همدستم که از دوستان قدیمی ام بود پیشنهاد کردم. چرا تصمیم گرفتید دست به آدم ربایی بزنید؟
مت ها بود که بدبختان بوم و به همین خاطر به دنبال راهی بودم تا زنی پولی نجات پیدا کنم.

نقشه تان را چطور اجرا کردید؟
چند وقت رفت و آمد های این خانواده را زیر نظر گرفتیم تا این که فهمیدیم پدر و مادر پسر به مشهد رفتند وقتی این موضوع را متوجه شدیم آن روز بعد از تعطیل شدن مدرسه با حمله به سرایدار پسر را ربودیم.

چرا قصد داشتید پنج سال خراج کنید؟
پسر بچه مرضی بود و هر لحظه امکان داشت جانش را از دست بدهد، ما هم که آدمکش نیستیم به همین خاطر تصمیم گرفتیم او را آزاد کنیم. اما وقتی قصد داشتیم از شهر منجیل فرار کنیم در ایست و بازرسی پلیس توسط مأموران محاصره دستگیر شدیم.

از خانواده گروگان چقدر درخواست پول کرده بودید؟
می دانستیم وضع مالی آنها خوب است به همین خاطر به آنها گفتیم ۱۰۰۰ سکه بهار آزادی به ما بدهند. اگر سکه ها را می گرفتید پسر بچه را آزاد می کردید یا اورامی کشید؟
گفتم که ما آدمکش نیستیم فقط قصد ما گرفتن سکه ها بود و آن سکه ها را می گرفتیم حتما و را آزاد می کردیم.

می بیند چه سرنوشته در انتظار تان است؟
بله زنمان خیلی پشیمان هستم اما چه فایده که دیگر راهی برای جبران باقی نمانده است.

این که این تلاش ها به نتیجه رسید و سرانجام منجر به آزادی پوریا و دستگیری دو آدم رباز.
فرمانده انتظامی استان البرز درباره بر سراره چگونگی دستگیری این افراد گفت: «طبق تحقیقات انجام شده و با زیرکی کارآگاهان اداره آگاهی مشخص شد دو فرد آدم ربای پس از حضور در قاریان بندرتزلی با ورود به شهر منجیل ویلایی را اجاره کرده و کودک ربوده شده را در این مکان نگهداری می کنند وقتی مأموران، ویلای متهمان را تحت نظر قرار دادند، مشخص شد آنها قصد دارند گروگان را از شهر منجیل خارج کنند. تیم تحقیق، دستگیری متهمان را در دستور کار خود قرار دادند و محورهای ورودی و خروجی شهر منجیل به طور نامحسوس تحت نظر قرار گرفته شد تا این که سرانجام سحرگاه روز ۴ آبان ماه وقتی خودروی پژو آدم ربایان قصد عبور از ایست و بازرسی را داشتند در یک اقدام غافلگیرانه پلیسی محاصره و دستگیر شدند سرانجام پس از ۴۰ ساعت تلاش بی وقفه دو آدم ربای دستگیر و پوریا به آغوش خانواده اش بازگشت.

در این پرونده با این که حدود ۲۴ ساعت بعد از تشکیل پرونده کارآگاهان توانستند محل استقرار آدم ربایان را به دست آورند اما به خاطر این که نجات جان کودک از اهمیت بیشتری برخوردار بود مأموران به تعقیب و مراقبت های نامحسوس خود ادامه دادند تا

محل متواری شدند». با توجه به وقوع سرقت های مشابه که طی آنها سر نشینان خودروهای پرانید به شیوه ای مشابه و تحت عنوان مسافر کشی اقدام به زورگیری از مسافران کردند و در چندین مورد طعمه های خود را مورد آزار و اذیت قرار دادند، موضوع در دستور کار ویژه پایگاه نهم پلیس آگاهی تهران بزرگ قرار گرفت. یکی از شاکیان پس از فرار از دست سارقان به پایگاه نهم آگاهی مراجعه و به کارآگاهان گفت: «در خیابان غیبی به سمت متر و جوامنرد سوار یک خودرو پرانید منگی شدم. براننده، ایستگاه مترو را رد کرد. زمانی که من به این موضوع اعتراض کردم ناگهان دو سرباز سینه سبک مرا به بیابان های کهریز کرد. به شکتجه نام تمامی مابلایها، همراه، پول، ملاجرات و تلبت همراهم سرت کردند آنها پس از

سرقت، به سمت کهریز یک حرکت کردند و همزمان در داخل ماشین شروع به مصرف شیشه کردند. داخل ماشین آنها با خانواده ام تماس گرفته و ادعا کردند که باید مبلغ یک میلیون تومان به حسابشان واریز کنند تا مرا راه کنند پس از آن به منطقه ای مخروبه رفته و آن جا بود که متوجه شدم راننده پرانید قصد آزار و اذیت مرا دارد؛ در یک لحظه، زمانی که این شخص مرا از ماشین پیاده کرده و چاقویش را روی زمین گذاشته بود توانستم از دستش فرار کرد و خودم را به وسط خیابان برسانم؛ با توقف چند خودرو، آنها به سرعت سوار ماشین شد و از محل متواری شدند اما من توانستم شماره، پلاک ماشین آنها را بر دارم.» با توجه به اظهارات دختر جوان در خصوص شماره پلاک خودرو پرانید، بلافاصله

تنها یک زن شجاع از جنگال این مردان فرار کرده بود راز های سیاه ۴ تبهکار در خودروهای سرقتی



شهروند [مردان تبهکار، زنان و پسران نوجوان را سوار خودروهای سرقتی خود می کردند تا سارقان شوم خود را اجرایی کنند. این مردان تنها به سرقت طلا و پول طعمه های خود می پرداختند، بلکه آنان را تسلیم نسبت سیاه خود می کردند. دوم مهرماه مردی به همراه پسر ۱۶ ساله اش به کالتزنی ۱۶۸ سیزده آبان رفت و ادعا کرد که سر نشینان یک خودرو پرانید اقدام به سرقت تمامی اموال پسرش کرده و پس از انتقال وی به بیابان های اطراف اتوبان امام علی (ع)، او را مورد آزار و اذیت قرار داده اند. نوجوان ۱۶ ساله در اظهاراتش به کارآگاهان گفت: «هوا تارک شده بود که در میدان نماز شهری سوار خودروی پرانید سفید رنگ شدم؛ در میدان نماز سر نشینان خودرو که نفر بودند با تهدید چاقو و فاشانه مرا به بیابان های اطراف اتوبان امام علی برده، پس از آزار و اذیت تمامی اموال شامل یک گوشی تلفن همراه را و پول را سرقت و مرا در همان بیابان راه کار کردند.»

با آغاز تحقیقات تیم تحقیق، پرونده مشابه دیگری به پایگاه نهم پلیس آگاهی تهران بزرگ ارجاع شد که نشان می داد خانم جوانی مورد سرقت و آزار و اذیت قرار گرفته است. این زن وقتی پیش روی کارآگاهان قرار گرفت، گفت: «ساعت ۶ غروب بود که مقابل ایستگاه آتش نشانی کهریز یک منتظر تاکسی بودم. سوار یک خودرو پرانید منگی شدم؛ بز نزدیک باقرشهر - خیابان فلسطین، ناگهان راننده یک قمه در آورد و مرا تهدید کرد که هیچ سسر و صدایی نکنم. آنها مرا در خیابان می چرخاندند و دائما با چاقو تهدید می کردند تا هوا تارک شده، سپس مرا به بیابان های کهریز کرد. به شکتجه نام تمامی مابلایها، همراه، پول، ملاجرات و تلبت همراهم سرت کردند و در بیابان از